فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۹۵ - ۱۷۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۴۰۷

واکاوی شکل‌گیری داعش از منظر تروریسم پسامدرن

غفار زارعی[۱]
استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، ایران (نویسنده مسئول)
سیدمحمد موسوی[۲]
دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، ایران
مجید غلامپور[۳]
دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۵ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۸**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

تروریسم را از جهات متعددی تقسیم‌بندی کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های مفهومی تروریسم، تقسیم آن به سه نوع سنتی، مدرن و پسامدرن است که در عین دارا بودن خصوصیات عام و مشترک، ویژگی‌های خاص خود را نیز دارا هستند. تروریسم سنتی ابتدایی‌ترین نوع تروریسم است که به مرزهای یک سرزمین و منطقه محدود می‌شد. تروریسم مدرن پای عنصر ملت و دولت‌ها را به میان می‌کشاند و تروریسم پسامدرن پاسخی به انحطاط اخلاقی و تسلط هژمونی فرهنگی و سیاسی غرب بر اغلب جهان است که البته به شدت متکی بر رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی است. در همین راستا، داعش به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی در منطقهٔ خاورمیانه است که ادعای برپایی خلافت اسلامی را نیز در سر می‌پروراند و از جهات متعددی خصوصیات تروریسم پسامدرن را متبادر می‌سازد. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی ابعاد تروریسم داعش در چارچوب تروریسم پسامدرن است. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر این است که تروریسم پسامدرن داعش پاسخی به زوال و انحطاط اخلاقی و مذهبی در جهان و منطقه خاورمیانه است که نمودهای عینی آن در فعالیت‌های این گروه تروریستی دیده می‌شوند. ویژگی‌های خاص این گروه تروریستی از جمله تکیه بر رسانه‌های جمعی، توانایی نظامی گسترده و تلاش برای ایجاد یک دولت اسلامی، ایجاد هراس جهانی و منطقه‌ای باعث شده تا در مقایسه با تروریسم سنتی و مدرن تفاوت‌های قابل توجهی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: داعش، تروریسم، تروریسم سنتی، تروریسم مدرن، تروریسم پسامدرن.

1. ghafarzarei@yahoo.com
2. s.m.moosavi0501@gmail.com
3majidegholampoor56@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

مقدمه و بیان مسئله

داعش از جمله گروه‌های تروریستی نوین در منطقهٔ خاورمیانه است که به دلیل سرعت گسترش فوق‌العاده و همچنین افزایش دامنه فعالیت‌ها و خشونت‌های آن، به یکی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی جهان تبدیل شده است. تکیه این گروه تروریستی بر فعالیت‌های خشونت‌بار از طریق فضای رسانه‌ای و ارتباطی، ویژگی خاصی به این گروه تروریستی بخشیده است. به طوری که همه روزه شاهد تبلیغ، عضوگیری و شیوع روش‌های خاص این گروه از طریق رسانه‌های ارتباطی هستیم. تروریسم جدید که داعش یکی از نمونه‌های بارز و مشخص آن به شمار می‌رود، در مقایسه با تروریسم پیشین از پیچیدگی و درجهٔ خشونت بالایی برخودار است و علاوه بر ایجاد رعب و وحشت جهانی، به دنبال برقراری یک دولت اسلامی نیز می‌باشد. تأکید این گروه بر مبارزه علیه ابعاد مختلف مدرنیسم و سکولاریسم غرب و ایجاد ناامنی در کشورهای غربی باعث تمایز این گروه تروریستی نسبت به تروریسم سنتی و مدرن شده است.

تروریسم پسامدرن اصطلاحی است که برای وصف گروه‌های تروریستی در دوران پس از وقوع حادثه یازده سپتامبر به کار می‌رود. به این دلیل که گروه‌های تروریستی مانند داعش، علاوه بر دارا بودن درجهٔ خشونت بسیار بالا، واکنشی به اندیشه‌های غربی نیز به شمار می‌روند. به طوری که گروهی همانند داعش هم بر علیه دولت‌های اسلامی منطقه می‌جنگد و دولت‌های اسلامی را به رسمیت نمی‌شناسد و هم اینکه به شدت با اندیشه‌ها و نظام‌های سیاسی غربی مخالفت می‌ورزد. ضمن اینکه در کنار چنین مبارزه‌ای، بهره‌گیری گستردهٔ گروه‌هایی همانند داعش از وسایل و رسانه‌های ارتباطی ویژگی خاصی به این گروه تروریستی بخشیده است.

در همین راستا، دغدغهٔ پژوهش حاضر این است که تروریسم پست‌مدرن دارای چه مؤلفه‌هایی است و وسایل ارتباط‌جمعی، شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای اینترنتی و ... تا چه اندازه در قدرت بخشیدن بدان نقش دارند. بنابراین، پژوهش حاضر این سؤال را مطرح می‌کند که ابعاد پسامدرن داعش به‌عنوان گروهی تروریستی کدام‌اند؟ فرضیهٔ پژوهش این است که ضدیت با مدرنیته و غرب، بهره‌گیری داعش از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و همچنین تلاش برای احیای دولت اسلامی در قالب یک ایدهٔ بنیادگرا به عنوان ابعاد پسامدرن

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

گروه تروریستی داعش به شمار می‌روند. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر در این است که تا به امروز، بیشتر تحقیقات و پژوهش‌ها بر تروریسم سنتی و مدرن متمرکز بوده‌اند و کمتر به ابعاد جدید تروریسم نوین (تروریسم پسامدرن) پرداخته‌اند. به همین دلیل ضروری است تا مبحثی با عنوان تروریسم پسامدرن با دقت بیشتری واکاوی شود و ابعاد و پیچیدگی‌های آن بر ما معلوم شود.

ادبیات تحقیق

در زمینهٔ بررسی نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری و گسترش تروریسم داعش، تحقیقات داخلی و خارجی گسترده‌ای انجام شده که به اختصار به نتایج برخی از تحقیقات مرتبط اشاره می‌شود.

مجتبی عطارزاده (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «رسانه، آوردگاه قدرت داعش»، به نقش رسانه‌های جدید در شکل‌گیری و گسترش اندیشه‌های گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه اشاره می‌کند و معتقد است که یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های گروه تروریستی داعش با سایر گروه‌های تروریستی، بهره‌گیری از ابزارهای نوین رسانه‌ای برای دستیابی به مقاصد و اهداف خویش است.

عباس عراقچی و شاهین جوزانی کهن (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بهره‌برداری داعش از فضای مجازی»، به شیوه‌های نوین تبلیغ، جذب، عضویت و آموزش تروریسم داعش اشاره می‌کنند. نویسندگان این مقاله، راهکارهای مدرن داعش از جمله تصاویر و کلیپ‌های ویدئویی از سوی این گروه تروریستی را بررسی می‌کنند که به مرور زمان از شیوه‌های نوینی از جمله آمیختگی تصاویر همراه با خشونت و جذب اعضا در نقاط مختلف جهان بهره می‌برند.

روح‌الله طالبی آرانی و جمال گویلی گیلانه (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «جهانی شدن عملکرد سلفی‌گری در پرتو گسترش فناوری ارتباطات مطالعه موردی داعش»، به انواع رویکردهای بنیادگرایی در میان گروه‌های اسلامی اشاره می‌کنند که در واقع برخی از این گروه‌ها مانند داعش با بهره‌گیری از فضای جهانی شدن و گسترش ارتباطات و اطلاعات به بسط اندیشه‌های خشونت طلبانه خود پرداخته‌اند.

پژوهش‌های خارجی متعددی نیز وجود دارند که مبحث تروریسم نوین را در تحقیقات

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

خود مورد بررسی قرار داده‌اند. به عنوان مثال، فیلیپ هاموند (۱۳۹۰) در کتابی با عنوان رسانه، جنگ، پست مدرنیته، در فصلِ جنگ رسانه‌ای علیه تروریسم، یکی از ویژگی‌های عصر پست مدرن را خاص‌گرایی و شکل‌گیری هویت‌های خاص سیاسی و مذهبی می‌داند. از طرف دیگر، یکی از خصوصیات دوران جدید، بهره‌گیری گروه‌های خاص از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی است که گروه‌های تروریستی در زمرهٔ خطرناک‌ترین آنها به شمار می‌روند. ضمن اینکه نویسنده در جریان مباحث به شکست‌های نومحافظه‌کاران پس از سال ۲۰۰۳ میلادی در منطقهٔ خاورمیانه و بر علیه تروریسم نیز اشاره می‌کند. از نظر هاموند رهبران غربی می‌کوشیدند از طریق بزرگ‌نمایی تهدید و تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی عراق، مردم را به هراس بیندازند و آنها را وادار به حمایت از جنگ کنند.

کریستوفر هیویت (۱۳۸٤) در اثری با عنوان درک تروریسم در آمریکا: از کوکلوس تا القاعده، به بررسی آثار تکنولوژی و به خصوص رسانه بر گسترش تروریسم در جهان معاصر می‌پردازد. به نظر هیویت، رسانه‌ها دارای ابعاد مثبت و منفی هستند. بُعد مثبت رسانه‌ها باعث افزایش آگاهی و رشد جامعه مدنی در میان جوامع می‌شود، ولی ابعاد منفی رسانه‌ها بهره‌گیری تروریست‌ها از این وسایل ارتباطی و تغییر شکل و ماهیت تروریسم نوین در مقایسه با تروریسم اولیه است. از نظر هیویت، خطر تروریسم امروزه بیش از پیش همهٔ جوامع را تهدید می‌کند.

میشل زنینی (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان «تروریسم خاورمیانه‌ای و اینترنت؛ مطالعه‌ای درباره نزاع و تروریسم»، معتقد است که رسانه‌های ارتباطی در منطقهٔ خاورمیانه باعث شکل‌گیری و گسترش افکار تروریستی در نقاط مختلف این منطقه شده‌اند. به طوری که می‌توان گفت به تناوب رشد ابزارهای ارتباطی، تنوع و پیچیدگی تروریسم نیز افزایش یافته است.

پژوهش‌های ذکرشده هرچند بخشی از واقعیت شکل‌گیری تروریسم پسامدرن را بیان می‌کنند، اما ابعاد مختلف آن را مورد توجه قرار نمی‌دهند. به همین دلیل تحقیق حاضر درصدد است تا با بررسی ابعاد مختلف تروریسم پسامدرن، از جمله نقش رسانه‌ها و وسایل ارتباطی در شکل‌گیری و گسترش آن، ابعاد ایدئولوژیک تروریسم پسامدرن، دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، تصرف بخشی از یک سرزمین و ... را مورد توجه قرار دهد. در اینجا برای روشن شدن مباحث، ایدهٔ پست مدرنیسم را از منظر مهم‌ترین متفکران این حوزه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

پست مدرنیسم و تعاریف آن

پست مدرنیسم به طور کلی در نقد مدرنیسم و روشنگری پدید آمده است و اغلب شامل اندیشه‌هایی است که تلاش می‌کنند با تکیه بر مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی متفاوت از اندیشه مدرنیسم، به بسط دیدگاه‌های خود بپردازند. در اینجا برای بررسی بیشتر پست مدرنیسم، می–توان به برخی از مهم‌ترین نظریات متفکران این حوزه اشاره کرد.

بودریار[1] به عنوان متفکری پست‌مدرن، رویکردهای عقلانی و علم‌محور مدرنیسم را مورد نقد قرار می‌دهد. وی حتی از همین زاویه به نقد فلسفهٔ غرب نیز پرداخته است. به عقیده بودریار، مصرف‌گرایی در غرب به عنوان امری ارزشی تلقی می‌شود و این روند چیزی جز بردگی مدرن در قالبی علمی و عقلانی نیست. به عقیده وی، غرب نیز به نوبه خود، تقریباً چیزی بیشتر از یک انبار، یا دقیق‌تر بگوییم یک محوطهٔ دفن زباله، برای آزادی و حقوق بشر نیست. اگر وجه ممیّزه و علامت منفیِ جهان شرق فوق– انجماد[2] بوده است، خصلت فوق – سیّال[3] جهان غربی ما از آن هم رسواتر و ناستوده‌تر است؛ زیرا در نتیجهٔ رهاشدن[4] و لیبرالیزه شدن رسوم، آداب و عقاید، طرح مسئلهٔ آزادی در اینجا عملاً ناممکن است و این مسئله عملاً تمام و کنار گذاشته شده است (بودریار، ۱۳۹۲: ٤١٢). به عقیده بودریار اندیشه‌های پست مدرنیسم به این دلیل مطرح می‌شوند که بتوانند در قالب‌های جدیدی به نقد سرکوب و سوژه شدن انسان‌ها در دستان سرمایه‌داری لیبرالیسم بپردازند و حتی بالاتر اینکه دیدگاه‌های جدیدی را مطرح کنند که در آن اندیشه‌های متفاوت بتوانند جایی برای عرض اندام داشته باشند.

دریدا[5] با طرح رویکرد شالوده‌شکنی یکی از شناخته‌شده‌ترین متفکران جریان پست مدرنیسم به شمار می‌رود که از نسبی‌گرایی، تکثر معنایی و هویت‌یابی بر مبنای تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی به عنوان مهم‌ترین مشخصه‌های پست مدرنیسم یاد می‌کند. به بیان دریدا ما با چیزها آن‌گونه که هستند، رابطه‌ای داریم که در آن اظهار حقیقتی ثابت یا قطعی ناممکن است و در عینِ حال ما قادر نیستیم و نباید این چیزها را انکار کنیم (دریدا، ۱۳۸۵: ۱۷۹). بدین

1. Baudrillard
2. Ultra-freezing
3. Ultra-fiuidity
4. Liberation
5. Drida

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

ترتیب، عدم قطعیت و ترویج نسبی‌گرایی معرفتی و سیاسی می‌تواند مهم‌ترین شاکله‌های پست‌مدرنیسم تلقی شود.

پست مدرنیسم از نظر لکلائو و موفه، گامی برای توجه به «تفاوت»های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و مقابله با آثار ناشی از همسان‌سازی عقلانی‌سازی مدرنیسم است. از این منظر، در رویکردهای پست مدرنیستی باید از همگون‌سازی سیاسی و فرهنگی دست برداریم تا راه رهایی سوژه فراهم شود. در چنین جامعه‌ای به تعبیر لکلائو و موفه ما شاهد ظهور چندگانگی سوژه‌ها هستیم که درک و اندیشه دربارهٔ اشکال تدوین و تنوع آنها فقط زمانی ممکن است که از مقولهٔ سوژهٔ یکپارچه‌ساز[1] دست بکشیم (لکلائو و موفه، ۱۳۹۲: ۲۷۹).

ژولیا کریستوا پست مدرنیسم را زمینه‌ای برای طرح دیدگاه‌های متفاوت از جمله هویت‌های معنایی، زنانه و طردشده می‌داند که در نتیجه تسلط سرمایه‌داری مردسالارانه به محاق رفته است. مطابق این رویکرد ما باید از کلی‌گویی درباره حقیقت بپرهیزیم و به نسبی‌گرایی معنایی روی بیاوریم. بدین ترتیب، روی آوردن به تأویل روان‌کاوانه، به صورت موقت در فضای معلّق میان یک معنا[2] و طرد شالوده‌شکنانهٔ کل حقیقت، واقع شده است (کریستوا، ۱۳۸۹: ٤٢).

نیک استیونسون از منظری چندفرهنگی‌گرایی، استدلال می‌کند که پست مدرنیسم راهی برای اعتباریابی گروه‌های اجتماعی و سیاسی فراموش‌شده است که تلاش می‌کنند با حفظ هویت خاص خود به عرصهٔ سیاست و اجتماع وارد شوند. در این رویکرد، راهبرد سیاسی‌ای که به دنبال مقاومت در برابر سلطهٔ فرهنگی است، این کار را به جای حفظ اعتبار گروه‌های حذف‌شده، با تلاش برای واژگون‌سازی و به پرسش‌کشیدن کدهای مسلط جامعه انجام می‌دهد (استیونسون، ۱۳۹۲: ۷۳).

از نظر کیت نش، با شروع دورهٔ پست‌مدرنیسم، شیوه‌های جدید و متفاوت زیست سیاسی و اجتماعی نیز مقبولیت یافته است. چنان‌چه به عقیدهٔ وی، ابداع شیوه‌های جدید دموکراسی از قبل با فعالیت جنبش‌های اجتماعی، کاربرد و توسعهٔ حقوق بشر بین‌المللی و تلاش برای حاکمیت حکومت جهانی آغاز شده است. برای جامعه‌شناسان سیاسی اهمیت دارد که نگرشی انتقادی درخصوص فرایند دموکراتیک شدن اتخاذ کنند. این فرایند اکنون عملاً به وقوع پیوسته و هدف آن یافتن عناصر بالقوهٔ اشکال جدید همبستگی است که براساس آنها

1. unifying essence
2. one mening

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

واقعاً به تفاوت‌ها احترام گذاشته می‌شود (نش، ۱۳۸۹: ۶۳-۶۲). بنابراین، پست مدرنیسم به دنبال ابداع و دفاع از شیوه‌های متفاوت زندگی سیاسی و اجتماعی است که مدت‌ها به واسطه یکسان‌انگاری مدرنیسم تنها به اشاعهٔ دیدگاه‌های محدود و خاص منجر شده بود.

پست مدرنیسم از نظر فوکو نیز مقاومت در برابر قدرت فراگیر مدرنیسم است که توسط دستگاه انضباط‌ساز مدرنیسم بر زندگی بشر اعمال می‌شود. به عقیده وی در گفتمان مدرنیسم، قدرت در سطح زندگی، گونه‌ها، نژاد و پدیده‌های فراگیر جمعیت جا گرفته است و اِعمال می‌شود (فوکو، ۱۳۹۳: ۱۵۸-۱۵۷). به طور خلاصه، از نظر فوکو آنچه در این میان به «حاشیه» می‌رود، «ناهمنوایی» است. بدین-ترتیب، جریان پست مدرنیسم بر خود وظیفه می‌داند که در برابر قدرت همگون‌ساز و انضباط‌آور مدرنیسم قد عَلَم کرده و از سرکوب‌شدگان دفاع کند.

ژاک رانسیر نیز پست‌مدرنیسم را چیزی می‌داند که بر مبنای آن، برخلاف آنچه در رویکردهای عقل‌گرایانه دنبال می‌شود، رویکردی برای دفاع از عناصر هویتی و معنایی است. بدین ترتیب، پست مدرنیسم می‌تواند واکنشی در برابر اجماع‌سازی مدرنیسم نیز تعبیر شود. بنابراین، اجماع چیزی فراتر از ایده و کردار معقولِ سامان بخشیدن به جدال‌های سیاسی از طریق مذاکره و توافق و تخصیص بهترین سهم ممکن به هر حزب با در نظر گرفتن منافع احزاب دیگر است. اجماع تلاشی برای خلاص شدن از شر سیاست، از طریق کنار گذاشتن سوژه‌های مازاد و جایگزین کردن آنان با شرکای واقعی، گروه‌های اجتماعی، گروه‌های هویتی و نظایر آن است (رانسیر، ۱۳۹۲: ۲۸۹).

به طور کلی، می‌توان پست‌مدرنیسم را واکنشی نسبت به ضعف اندیشه‌های مدرنیسم تلقی کرد که مهم‌ترین مشخصه‌های آن، انحطاط معنایی و خالی شدن انسان مدرن از وجوه اخلاقی و معنوی است. بنابراین، پست مدرنیسم در واکنش به این ضعف‌ها و طرح ایده‌ای جایگزین در عرصه‌های متفاوتی از جمله هنر، فرهنگ، فلسفه و سیاسی ظهور کرد. ضمن اینکه ایده‌های پست مدرنیسم بیش از هرچیز مدیون رسانه‌های نوین است که بستری برای رشد اندیشه‌های گوناگون فراهم آورده است و به نظر می‌رسد که بستر جدید عاملی برای رشد گروه‌های خاص نظیر تروریست‌ها نیز می‌باشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

مبانی نظری تحقیق: تروریسم و انواع آن

۱. تروریسم سنتی

تروریسم، استفاده از زور توسط بازیگران یا سازمان‌ها برای دستیابی به منافع شخصی خود از طریق ارعاب دیگران است که اهداف سیاسی و ایدئولوژیکی نیز در آن وجود دارد و از این جهت تهدیدی برای دموکراسی به شمار می‌رود (Cliteur, 2007: 1). این تعریف از همان ابتدا و در زمان شروع انقلاب فرانسه و شروع خشونت‌های سیاسی و مذهبی بر سر زبان‌ها افتاد و به‌عنوان یکی از اعمال سیاسی وارد محافل سیاسی و آکادمیک شده بود. با این حال، تروریسم سنتی، ابتدایی‌ترین گونهٔ تروریسم است که برخلاف امروزی چندان گسترش نیافته بود. به طوری‌که می‌توان تروریسم سنتی را شیوه‌ای خشونت‌آمیز دانست که وجه مشخصه آن، اقدامات خشونت‌آمیز یک فرد یا حتی گروه برای رسیدن به اهداف و مقاصد خویش است. به عنوان مثال، اقدام برای حذف فیزیکی وزرا و رهبران سیاسی در گذشته در زمره تروریسم سنتی جای می‌گیرد. در این نوع از تروریسم، هنوز عنصر «ملت» به معنای امروز آن مدّ نظر نبود و فعالیت‌های تروریستی کمتر جنبه جمعی و گسترده به خود می‌گرفت. تروریسم سنتی، به منظور هموار کردن موانع فیزیکی بر سر راه رسیدن به قدرت سیاسی صورت می‌گرفت؛ یعنی در تروریسم سنتی، هدف بیشتر از بین بردن موجودیت فیزیکی دارندگان قدرت است که در نظر ترورکننده، وارث نامشروع قدرت شده است (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

۲. تروریسم مدرن

تروریسم مدرن، گونه‌ای از تروریسم است که ابعاد آن نسبت به تروریسم سنتی گسترده‌تر است و دامنهٔ فعالیت‌های خشونت‌آمیز آن نیز فراتر از حوزه فعالیت‌های تروریسم سنتی قرار می‌گیرد. در تروریسم مدرن، پای ملت‌ها و دولت- ملت به میان می‌آید و مهم‌ترین مشخصهٔ آن نیز ورود مردم به صحنه فعالیت‌های تروریستی است. در واقع، تروریسم مدرن، یک گام بالاتر از تروریسم سنتی است. بدین معنا، مشخصهٔ تروریسم در دوران مدرن، کشیده شدن مردم به صحنهٔ جنگ قدرت و استفاده از مردم در اتخاذ راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم برای کسب قدرت و امتیاز است. در راهبرد مستقیم به صورت حذف فیزیکی مهره‌های قدرت

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

سیاسی و در راهبرد غیرمستقیم از طریق ارعاب و تهدید مردم به ترور و در برخی مواقع با انجام چند اقدام تروریستی معنادار، مردم را وادار می‌کنند تا اینکه بر دولت‌های خود فشار بیاورند تا این دولت‌ها در مقام حل مشکل تروریسم برآیند و گرنه کارآمدی مشروعیت خود را از دست خواهند داد (همان: ۱۵۲).

در تروریسم مدرن، تهدید حاکمان و رهبران سیاسی از راه فعالیت‌های جمعی و تهدید به کشتار مردم باعث گسترش خشونت‌های تروریستی می‌شود. در این زمینه پای سازمان‌های غیردولتی و همچنین استفاده از تکنولوژی‌های رسانه‌ای برای ارعاب جمعی و تهدیدهای سیاسی نیز باز می‌شود. اما دامنه فعالیت تروریسم مدرن چندان گسترده نیست که گروه‌های تروریستی، به دنبال ایدئولوژی خاص مذهبی باشند. به عبارت دیگر، این نوع از تروریسم تنها دنباله‌روی تروریسم پیشین است و تنها با گسترش نقش ملت‌ها و اهمیت آن در روابط بین‌الملل جایگاه خاصی پیدا کرده است.

می‌توان گفت در تروریسم مدرن، عنصر دولت- ملت جایگاه خاصی دارد. به این دلیل که مطالعات دولت - محور تا قبل از شکل‌گیری تروریسم پسامدرن چندان به اهمیت مؤثر ایدئولوژی، نقش شبکه‌های خصوصی و رسانه‌های اجتماعی و همچنین واکنش نسبت به مؤلفه‌های مدرنیسم آگاهی نداشتند. به تعبیر جی بدی مدل‌های تحلیلی سنتی دولت- محور دارای فایدهٔ محدودی در مطالعه تروریسم بین‌المللی بوده و باید برای گنجاندن عاملان غیردولتی در مراحل مختلف، مانند جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل و واکنش سیاسی یا نظامی جرح و تعدیل شوند (جی بدی، ۱۳۷۸: ۲٦٤).

۳. تروریسم پسامدرن

تروریسم پسامدرن شکل تازه‌ای از تروریسم محسوب می‌شود که مخصوصاً با ظهور جریان‌های تروریستی رادیکال در منطقه خاورمیانه پا به عرصه حیات گذاشته است. تروریسم پسامدرن از این جهت که از ابزارها و تکنولوژی‌های پیشرفته بهره می‌برد، با تروریسم مدرن مشترک است، اما دامنه بهره‌گیری و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی در نزد تروریسم پسامدرن بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از تروریسم مدرن است. به طوری که در تروریسم نوین، تروریست‌ها دسترسی-های گسترده‌ای به تکنولوژی‌های مخرب و تسلیحات

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

گسترده در مقایسه با تروریست‌های قدیمی دارند (Burnett and Whyte, 2005: 6). علاوه بر این، تفاوت تروریست‌های مدرن و پسامدرن در میزان توانایی نظامی، اشغال سرزمین و خاک کشور مستقل و استقلال مالی‌شان است (آل‌غفور و صادقیان، ۱۳۹٤: ۱۵۸). بدین معنا که تروریسم پسامدرن، از این توانایی برخوردار است که در یک کشور یا سرزمینی اعلام موجودیت کند و خواهان برپایی یک دولت مستقل از راه خشونت و ابزارهای تروریستی باشد. علاوه بر این، مسئلهٔ تروریسم جدید، خواهان نابودی تعداد زیادی از مردم است. از این‌رو، تروریسم جدید خشن‌ترین شیوه‌ها را برای رسیدن به هدف خود به کار می‌برد (گوهری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۳).

تروریسم جدید [پسامدرن] از یک جهت دیگر نیز با تروریسم سنتی و مدرن متفاوت است. از جمله اینکه اشکال متعددی از حمله را دنبال می‌کند و در واقع، شیوه‌های جنگی نامتقارن و ناپیوسته بودن آن همواره خطر و تهدید را القا می‌کند (Burnett and Whyte, 2005: 6). یکی دیگر از مشخصه‌های تروریسم پسامدرن برپایی دولت و حکومت در عصر کنونی است که البته به شکل حیرت‌آوری با مذهب پیوند خورده است. از این منظر، می‌توان تروریسم پسامدرن را واکنشی به تحولات مدرنیته نیز ارزیابی کرد؛ زیرا تروریسم جدید بر این عقیده است که دنیای مدرن با نادیده گرفتن مذهب و حتی زیرپا گذاشتن ارزش‌های مذهبی تنها به دنبال سیطره ارزش‌های جهان‌شمول (غربی) بر سایر نقاط جهان است. بنابراین، امروزه ما با تروریسم مذهبی مواجه هستیم. تروریسمی که به وسیله آن، اعمال خشونت‌آمیز افراد با توجه به ایده‌های مذهبی و البته توجیه مقدس‌نمایی این رفتارها صورت می‌گیرد (Cliteur, 2007: 1). به همین دلیل باید گفت تروریسم پسامدرن، جنگ علیه چیزی است که آن را انحطاط اخلاقی و ضدیت با دین تعریف می‌کند (آل‌غفور و صادقیان، ۱۳۹٤: ۱٦۰).

مشخصهٔ ضدیت با مدرنیسم در نزد تروریسم پسامدرن باعث می‌شود تا آنان نیز در مقابل کاستی‌های اندیشه مدرنیسم، اندیشه‌های خود را رهایی‌بخش تلقی کنند. از این جهت اسلام‌گرایان رادیکال ممکن است همانند متفکران عصر روشنگری به ارزش‌های جهان‌شمول خود باور داشته باشند (Cliteur, 2007: 3). بنابراین، ظهور جریان‌های بنیادگرا در نزد گروه‌های تروریستی مانند داعش، القاعده و بوکرام چنین می‌نماید که آنان نیز ایدئولوژی موردنظر خود را جهان‌شمول و غایی تلقی می‌کنند. بنابراین، داشتن ایدئولوژی جهان‌شمول و

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

بُرنده یکی دیگر از مشخصه‌های تروریسم پسامدرن به شمار می‌رود. این مشخصه خود نیز به وسیلهٔ شرایط کنونی یعنی گسترش جهانی شدن ممکن و میسر می‌شود. بنابراین، در اثر فرایند جهانی‌شدن و کاهش تصدی دولت‌ها در شئون مهم خود، گروه‌های تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی از طریق شبکه‌های قاچاق دولتی و غیردولتی دست پیدا می‌کنند و با تمسک به توجیهات ایدئولوژیک خود اقدام به استفاده علیه حجم بالایی از قربانیان نموده و در این راه از حمله به سمبل‌های جهانی‌شدن بهره می‌برند. همچنین، از طریق رسانه-های جهانی این اقدامات خود را به سمع و نظر میلیاردها بیننده می‌رسانند و سعی در کسب مزیت-های سیاسی لازم از اقدامات خود دارند (گوهری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۷).

در هر صورت، باید گفت که تروریسم پسامدرن در واقع تعمیق و پیچیده شدن رویدادهای تروریستی در جوامع است. به این معنا که همچنان شکل پیشامدرن و مدرن حرکت‌های تروریستی در جوامع ادامه پیدا کرده‌اند و ادامه خواهند یافت. در عین حال لایهٔ دیگری از لایه‌های مختلف اجتماعی درگیر این پدیده شده است. در جهان امروز، به دلیل توسعه ارتباطات و تبادل اطلاعات، مرزهای ملی کشورها درنوردیده شده‌اند. سازمان‌ها و نهادهای فراملی و فروملی قدرت بیشتری یافته-اند و به همان میزان حوزهٔ اقتدار دولت‌های ملی کاهش یافته است. در نتیجه فضا برای ظهور سازمان‌ها و گروه‌های خصوصی باز شده است. «جهانی شدن» نیز فرصت‌ها را بر تروریست‌ها برای رسیدن به اهداف خود فراهم کرده است (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۵۳). بدین ترتیب، شاخص‌های اصلی تروریسم پسامدرن عبارت‌اند از: الف) انجام عملیات انتحاری، ب) انتخاب اهداف نامشخص و نامعلوم، ج) استفاده از تکنولوژی جدید رسانه‌ای مانند اینترنت و شبکه‌های مجازی، د) داشتن توان نظامی بالا و جنگ با ارتش‌های رسمی و منظم کشورهای مورد هدف، هـ) اشغال بخشی از سرزمین کشورهای عضو سازمان ملل، مانند کشورهای نیجریه، سوریه، فیلیپین و عراق، و) توانایی بالای مالی و کسب ثروت از طریق گروگان‌گیری، قاچاق کالا، ارز و فروش اسیران غیرنظامی به کشورهای دیگر، ز) برپایی نهادها و سازمان‌هایی که شاخه‌ها و شعائر دینی را به ذهن‌ها متبادر سازد (آل‌غفور و صادقیان، ۱۳۹٤: ۱٦۲). در نهایت اینکه تروریسم جدید فهم جدیدی از دشمن ارائه می‌دهد که نه تنها نسبت به تروریسم سنتی خطرناک‌تر است، بلکه حتی کنترل آن نیز دشوارتر است (Burnett and Whyte, 2005: 5).

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

داعش مصداقی برای تروریسم پسامدرن

با توجه به رشد و گسترش رسانه‌ها، مفاهیم «امنیت»، «تروریسم»، «حکمرانی مطلوب» و جز اینها دچار تغییرات گسترده‌ای شده‌اند. همین مسئله به رشد گروه‌های خصوصی و انجمنی منجر شده که در نهایت تضادهای گسترده امنیتی را پدید می‌آورد. در واقع، تضاد گروه‌های مذهبی، نژادی و قومی با دولت در عرصه داخلی از نمونه‌های بارز فضای امنیتی نوین است (Snyder, 2008: 76). گروه‌های تروریستی به عنوان یکی از نمونه‌ای از گروه‌های خاص سیاسی و فرهنگی به شمار می‌روند که از منظر تروریسم پسامدرن نیز قابل تحلیل است. به همین دلیل می‌توان چندین خصوصیت را در نزد گروه تروریستی داعش پیدا کرد که می‌تواند مصداقی از تروریسم پسامدرن تلقی شود.

داعش یک جریان سلفی سنی است که در سال ۲۰۰٤ میلادی و با عنوان «القاعده عراق» و به دست «ابومعصب زرقاوی» شکل گرفت. اولین ظهور جدید داعش با طغیان شاخهٔ عراقی آن به رهبری «ابوبکر بغدادی» بر دستورات ایمن ظواهری رئیس فعلی القاعده نمایان شد. بر طبق ادعای وزارت کشور عراق، نام اصلی ابوبکر بغدادی «ابوبکر عود ابراهیم» است که سابقاً مسئولیت عضوگیری برای القاعده را بر عهده داشت. بعد از کشته شدن بن‌لادن، بغدادی به‌عنوان یکی از شدیدترین مدافعان انتقام خون رهبر القاعده و رهبری یک سلسله عملیات انتحاری در عراق را بر عهده گرفت (عطارزاده، ۱۳۹٦: ۱۱۹). پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط دولت صدام، خلأ قدرت گسترده‌ای در این کشور پدید آمد که باعث ظهور قدرت‌های بنیادگرا و رادیکال در این کشور شده بود.

به طور کلی، می‌توان گفت که جنبه‌های بنیادگرایانه و تلاش برای تشکیل یک دولت اسلامی که کمتر توسط گروه‌های تروریستی دنبال می‌شد، واکنش خشونت‌آمیز و همه‌جانبه به ابعاد نظری و علمی مدرنیتهٔ غربی و ارائهٔ راه‌حل خشونت‌آمیز به انحطاط مذهبی در جهان و منطقه و بهره‌گیری گسترده از ابزارها و تجهیزات نوین از جمله نشانه‌هایی هستند که نشان می‌دهد تروریسم داعش در زمرهٔ گروه‌های تروریستی پسامدرن به شمار می‌رود.

۱. بنیادگرایی و تلاش برای ایجاد دولت مستقل

یکی از خصوصیت‌های مهم گروه تروریستی داعش تلاش برای ایجاد دولت مستقل سنی

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

در عراق و شام است که البته به همین نام نیز خوانده می‌شود. از این جهت می‌توان داعش را نماینده اسلامی سَلَفی، بنیادگرا و تکفیری قلمداد کرد که به‌صورت گفتمان بروز یافته و این گفتمان، بار تاریخی و تشکیل جامعه اسلامی توسط پیامبر (ص) را به تصویر می‌کشد (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۰). همچنین، گروه مزبور درصدد است تا با تشکیل یک دولت اسلامی، خود را نماینده صدر اسلام معرفی کند. از این منظر، گروه تروریستی داعش از یک جهت با سایر گروه‌های تروریستی شکل‌گرفته در منطقه، نظیر القاعده متفاوت است. داعش خود را مقید به تأسیس دولت اسلامی عراق و شام می‌داند که در یک مکان مشخصی است و حتی مدعی خلافت اسلامی در سرزمین‌های اسلامی است، اما القاعده خود را فرامرزی تلقی می‌کند و به همین دلیل در منطقه خاورمیانه در مکان مشخصی فعالیت نمی‌کند. همچنین سیر تکامل تدریجی داعش یا همان خلافت اسلامی خودخوانده را باید در دو بُعد نحوه شکل‌گیری و عامل شانس یا تصادف ارزیابی کرد. از جنبه شکل‌گیری و نحوه مطرح شدن، قاعدهٔ این خلافت برگرفته از دیدگاه و جهان‌بینی خاص مؤسس آن، یعنی ابومصعب الزرقاوی است. بنابراین، از این لحاظ تفاوت‌هایی آشکار میان این گروه و القاعده وجود دارد (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۵: ۹۶). به هر حال، داعش از جمله گروه‌های رادیکال تروریستی در منطقه خاورمیانه است که دامنهٔ فعالیت‌هایش بیشتر مناطق جهان از جمله اروپا را نیز در برگرفته است. به‌طور کلی می‌توان اهداف داعش را این گونه برشمرد:

– از میان بردن کامل مرزهای سیاسی موجود در عراق، سوریه و کل منطقه که با تضعیف دول مرکزی و ایجاد جنگ‌های فرقه‌ای در منطقه می‌توان به این هدف نائل شد.

– تأسیس خلافت اسلامی با فتح سرزمینی در عراق و سوریه، حکمرانی در این مناطق و حمایت از مردمان این کشورها در برابر تهدیدهای خارجی.

– دعوت از افراد و نخبگان هم‌رأی و هم‌کیش به قلمرو خلافت اسلامی برای جنگیدن و کار.

– بسط و توسعه قلمرو خلافت اسلامی به خارج از مرزهای این دو کشور و درنهایت، ایجاد جامعه اسلامی یا همان اُمت واحد (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

بدین ترتیب، درباره اولین خصوصیت داعش به عنوان یک گروه تروریستی پسامدرن باید گفت که تلاش تروریست‌های داعش برای تشکیل یک دولت حتی فراتر از سرزمینی که در آن حضور دارند، نشانگر وجه تمایز آن با تروریسم مدرن و سنتی است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

۲. تروریسم داعش و واکنش به غرب‌گرایی و جهانی شدن

چنان چه بیان شد یکی از ویژگی‌های تروریسم پسامدرن، واکنش منفی آن نسبت به غرب‌گرایی در میان جوامع اسلامی و از همه مهم‌تر ارائهٔ پاسخی محکم به زوال اخلاقی و نادیده گرفتن مذهب در جهان و به خصوص عالم اسلام است. چنین پاسخی در نزد برخی جوامع اسلامی و مخصوصاً اهل سنت به ظهور بنیادگرایی منجر شده است. داعش یکی از این گروه‌های بنیادگرا به شمار می‌رود. اصطلاح بنیادگرا، اصطلاحی کلی است و اغلب جنبش‌های دینی متعدد در سراسر جهان را دربر می‌گیرد (Peterson and Muller, 1990: 86). به نظر می‌رسد که داعش، القاعده و سایر گروه‌های تروریستی در خاورمیانه در زمرهٔ گروه‌های بنیادگرای سنی به شمار می‌روند که عقاید متصلب و انعطاف‌ناپذیری را دنبال می‌کنند و به شدت بر مبانی و مؤلفه‌های مدرنیسم غربی و پدیده جهانی شدن واکنش نشان می‌دهند.

بنیادگرایان در کشورهای اسلامی با همه ستیز می‌کنند. آنها هم دولت‌های سکولار و غیردینی در سرزمین‌های اسلامی را عامل بدبختی مسلمانان تلقی می‌کنند و هم غرب و عناصر دست‌نشاندهٔ آنان در منطقه را عامل مهمی برای انحطاط مسلمانان می‌دانند. بنابراین، راه سعادت، مبارزه با همه قدرت‌های داخلی و خارجی برای رسیدن به بنیاد و اساس اسلام، یعنی همان حکومت رسول‌الله (ص) است. در باور بنیادگرایان، این فرهنگ جهانی [غربی] کفرآمیز نه تنها سرزمین‌های غیراسلامی، بلکه دنیای اسلام را هم آلوده کرده است. تهاجم فرهنگی همراه با بی‌تدبیری‌ها و خودباختگی‌های حاکمان جوامع اسلامی، نفاق و تفرقهٔ فزاینده میان مسلمانان و گرایش و شیفتگی اقشار و گروه‌های مختلف به فرهنگ و تمدن بیگانه، جهان اسلام را چنان منحط کرده‌اند که به جامعه جهانی پیش از اسلام شباهت دارد و متمایز کردن مسلمان و غیرمسلمان دشوار است. پس در واقع، نه تنها غیرمسلمانان یا مسلمانان، بلکه کل بشریت در گمراهی و جهل قرار دارند (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۸۷). به همین دلیل گروه‌های تروریستی نظیر داعش، علاوه بر تلاش برای تشکیل دولت اسلامی درصدد هستند تا نظم ساخته‌شده توسط غرب را نیز به چالش بکشند و از این‌رو به مبارزه آشکار و خشونت–طلبانه با آن روی می‌آورند.

در مورد تروریسم پسامدرن و ظهور داعش باید گفت که جهانی‌شدن، ضمن به چالش کشیدن هویت‌های ایدئولوژیک و معانی انحصاری، موجب ظهور هویت‌های بنیادگرایی شده

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

است که مقاومت خود را بر بازسازی معنا و غلبه بر بحران‌های هویت استوار ساخته‌اند. از این منظر، نهضت‌های بنیادگرا به هیچ روی سنت‌گرا نیستند. آنها برای مقاومت اجتماعی و قیام سیاسی همواره به بازسازی هویت فرهنگی متوسل شده‌اند که در واقع پدیده‌ای فرا مدرن است (خلیلی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹٤: ٦٦). مهم‌ترین نشانهٔ این احیاء تلاش برای رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی است که در نزد رهبران داعش از آن به‌عنوان «خلافت اسلامی» یاد می‌شود. به نظر می‌رسد که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین ابزار برای تحقق خلافت اسلامی نوین در نزد داعش به شمار می‌روند.

۳. رسانه محوری تروریسم داعش

رسانه‌ها و از جمله شبکه‌های اجتماعی هرچند عاملی برای اطلاع‌رسانی و حتی ستون دموکراسی به شمار می‌روند، اما این وسایل ارتباط‌جمعی سویه منفی و نامطلوبی دارند که عاملی برای ارتباط میان تروریست‌ها نیز تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، رسانه‌های اجتماعی عاملی برای اقدامات تروریستی و تهدیدهای ناشی از آن هستند (Bieda and Halawi, 2015: 33). در همین راستا می‌توان گفت که مهم‌ترین مشخصهٔ تروریسم پسامدرن داعش بهره‌گیری بی‌سابقه از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی است که به شکل قابل توجهی باعث رشد اندیشه‌های تروریستی داعش در نقاط مختلف جهان شده است و این ویژگی باعث شده تا ترکیب داعش به عنوان یک گروه تروریستی بسیار ناهمگون (از لحاظ ملیتی و هویتی) به نظر برسد و حتی بالاتر اینکه در نقاط مختلف جهان خواهان پیوستن به داعش هستند.

بدین ترتیب، ویژگی منحصر به فرد داعش به‌عنوان یک گروه تروریستی از منظر تروریسم پسامدرن این است که قوام و دوام خود را از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی می‌گیرد. حضور تأثیرگذار داعش در شبکه‌های اجتماعی و یارگیری‌های گسترده از این طریق، این گروه را به یکی از قدرتمندترین گروه‌های تروریستی در جهان تبدیل کرده است. به نظر می‌رسد که داعش با هوشمندی خاصی و با شناخت از ماهیت نظام جدید جهانی به این سمت حرکت کرده است. حضور قوی این گروه تروریستی در شبکه‌های مجازی از قبیل توئیتر، فیس‌بوک و یوتیوپ و تأثیر قابل توجه حضور قوی و اثرگذار بر ذهن و روح کاربران جوان که اطلاعات زیادی ندارند، نیازمند تحقیق و تفحص دربارهٔ تأثیرات آن و دامنه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

نفوذ کاربران اینترنتی است (عطارزاده، ۱۳۹٦: ۱۱۸). به هر حال می‌توان به صورت خاص رسانه‌های داعش را این‌گونه برشمرد: شبکه‌های اجناد، الفرقان، الاعتصام، الحیات، مکاتب الولایات، رادیو البیان و پایگاه اینترنتی دابق (خبرآنلاین، ۱۳۹۳).

براساس شواهد موجود گروه‌های تروریستی فعلی در خاورمیانه و شمال آفریقا مانند القاعده، بوکوحرام و داعش، بیش از دیگر گروه‌های تروریستی در دنیای امروز همزمان از ابزارهای نو در جهان سود می‌جویند (آل غفور و صادقیان، ۱۳۹٤: ۱۵۸). آنان به‌عنوان بازیگرانی با اهداف مجرمانه احیای هویت خود را بر بنیان این شبکه‌ها استوار کرده‌اند. در این میان، گروه تروریستی داعش استراتژی اصلی خود را رسانه‌ای کردن اقدامات تروریستی از طریق ایجاد ارعاب و وحشت و از طریق پیشران شبکه‌های اجتماعی هدف‌گذاری کرده است (فاضلی و دیگران، ۱۳۹٦: ۳). به علاوه در سایر حوزه‌ها نیز داعش در طی سال‌های اخیر هکرهای زیادی را به استخدام درآورده است تا با گسترش عقاید مذهبی و بازنشر آنان پروپاگاندای گسترده‌ای راه‌اندازی کنند (Zerzeri, 2017: 3). بررسی‌های گسترده به خصوص پس از عملیات تروریستی داعش نشان می‌دهد که همواره رسانه‌ها، شبکه‌ها و ابزارهای نوین ارتباطی نقشی اساسی در حادثه‌آفرینی آنان ایفا می‌کنند. این موضوع در بمب‌گذاری‌های متعدد این گروه تروریستی در اروپا خود را بهتر نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، متعاقب انجام عملیات تروریستی توسط عوامل داعش در قلب اروپا، تحقیقات نیروهای امنیت پلیس بلژیک و فرانسه نشان داد که عاملان از دستگاه پلی‌استیشن چهار (Play Station4) برای ایجاد ارتباط و هماهنگی با یکدیگر بهره گرفته‌اند (آدمی و نکویی، ۱۳۹۷: ۳۱۵).

هرچند تروریسم مدرن نیز از ابزارهای ارتباطی سود می‌جسته، اما امروزه دامنه و ابعاد بهره‌گیری داعش از ابزارهای ارتباطی ابعاد پیچیده و بسیار متنوعی به خود گرفته است. چنان‌چه امروزه داعش و بسیاری از سازمان‌های تروریستی دیگر، از سیستم‌های ارتباط‌جمعی برای انتخاب و گزینش افراد و استخدام آنها برای اهداف رادیکالیسم خود استفاده می‌کنند (Zerzeri, 2017: 3). علاوه بر این، می‌توان به شبکه‌های متعدد تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی اشاره کرد که باعث قدرت گرفتن هرچه بیشتر این گروه تروریستی می‌شوند. بازوی رسانه‌ای داعش، شبکه الحیات است که فیلم‌های متعدد مربوط به شبه نظامیان داعش را نشان می‌دهد (Gates and Podder, 2015: 109). شبکه الحیات با بودجه‌ای بیش از ۵۰۰ میلیون دلار

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

راه‌اندازی شده است. این شبکه به گفت‌وگوهای تلویزیونی با سران داعش مثل البغدادی و العدنانی اختصاص دارد. شبکه الحیات مرکز اصلی مونتاژ ویدئوهایی است که از جنایات داعش تهیه می‌شود. ویدئوهایی که در این شبکه تهیه می‌شود عالی‌ترین کیفیت صدا و تصویر را دارد و در آنها از سرودهای حماسی و تأثیرگذار استفاده شده است. تولید ویدئوی سربریدن ۲۱ قبطی مصری در شبکه الحیات انجام شده است (خبر آنلاین، ۱۳۹۳).

داعش برای پیوستن جنگجویان خارجی به گروه خود، از ماشین رسانه‌ای خود توسط شبکه‌های اجتماعی نیز استفاده می‌کند. به طوری‌که این گروه از رسانه‌های مختلف و فناوری‌های نوینی حتی با وجود دوری سرزمینی، ایدئولوژی خود را طریق فناوری‌های جهانی نظیر فیس‌بوک، اینستاگرام، تلگرام، کیک، توییتر و ... به پیش می‌برد (Gates and Podder, 2015: 109). بنابراین، علاوه بر گسترش کمی رسانه‌های داعش، ابعاد کیفی بهره‌گیری این گروه تروریستی از تجهیزات و شبکه‌های رسانه‌ای، تفاوت‌های قابل توجهی با تروریسم مدرن دارد. چنان‌چه داعش به کمک پخش کلیپ‌هایی ترسناک به ایجاد رعب و وحشت عمومی دامن می‌زند. ضمن اینکه در بیان ویژگی‌های تروریسم پسامدرن مانند داعش باید گفت که چنین اعمالی در راستای بزرگ و خطرناک جلوه دادن این گروه تروریستی است. به علاوه چنین ویژگی باعث می‌شود تا هواداران بالقوه نیز گروه را باشکوه تلقی کنند و بدان بپیوندند. با کمی تسامح باید گفت که تروریسم پسامدرن، «تروریسمی اینترنتی» است. بدین معنا که تروریست‌های امروزی بدون داشتن رسانه‌ها، معنایی نخواهند داشت. در این زمینه، تروریست‌ها از اینترنت برای تحلیل داده‌های خود استفاده می‌کنند. همچنین، به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مکان‌ها و افراد خاص و نیز استخدام افراد از این طریق برای حملات بالقوه استفاده می‌کنند (Zerzeri, 2017: 3). بدین ترتیب، تکیه گستردهٔ داعش بر رسانه‌های جمعی و گسترش ایده‌های تروریستی آن در شبکه‌های اجتماعی و جمع کردن هواداران خود در نقاط مختلف جهان، حاکی از شکل جدیدی از تروریسم در جهان است که می‌تواند با عنوان تروریسم پسامدرن شناسایی شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

بحث و نتیجه‌گیری

سؤال اصلی پژوهش حاضر این بود که ابعاد پسامدرن تروریسم داعش کدام هستند. با توجه به همین مسئله باید گفت که اصطلاح مزبور ناظر بر شکل جدیدی از تروریسم است که برخلاف تروریسم سنتی و مدرن، بر قدرت هوشمند و رسانه‌ای متکی است؛ به دنبال تشکیل یک دولت اسلامی است؛ به شدت با اندیشه‌های مدرن غربی مخالفت می‌ورزد و حتی دامنه مخالفت خود را تا بمب‌گذاری و خشونت در کشورهای اروپایی گسترش داده است؛ به دنبال انحطاط اخلاقی و نادیده گرفتن مذهب در جهان و منطقه خاورمیانه است که به نوبه خود باعث شکل‌گیری بنیادگرایی اسلامی بر محوریت تروریسم و خشونت همه‌جانبه نیز شده است. به طور کلی داعش به عنوان نشانه‌ای از تروریسم پسامدرن، واکنشی به پدیده جهانی‌شدن نیز محسوب می‌شود؛ به‌سرعت گسترش پیدا می‌کند؛ هواداران خود را در نقاط مختلف می‌یابد و از همه مهم‌تر به جذب، آموزش و عضوگیری در فضای مجازی می‌پردازد. بنابراین، عنصر رسانه نقش مهمی در دوام و قوام گروه تروریستی داعش به‌عنوان نمونه‌ای از تروریسم پسامدرن ایفا می‌کند.

ابزارهای متعدد رسانه‌ای داعش این مسئله را دنبال می‌کنند که برقراری دولت اسلامی می‌تواند خلأ یک دولت اسلامی در منطقه را پر کند. دولتی که به شدت با نظام‌های سیاسی شیعی نظیر جمهوری اسلامی ایران ستیزه می‌کند و از طرف دیگر به مخالفت آشکار با دولت‌های غربی نیز می‌پردازد. از این جهت، تروریسم پسامدرن داعش بر دو وجه سلبی و ایجابی استوار است: نفی دولت‌های شیعی اسلامی، نظام‌های محافظه‌کار منطقه و لیبرال دموکراسی غرب (سلبی) و برقراری یک دولت بنیادگرای اسلامی که بتواند نماینده واقعی مسلمانان در عصر حاضر تلقی شود (وجه ایجابی). بدین ترتیب، داعش واضح‌ترین نمونهٔ یک گروه تروریستی پسامدرن است که در عین تعلق‌خاطر به احیای گذشته‌ای دور و برقراری دولت اسلامی در عراق و شام، به طور عمیق گروهی مجهز به ابزارهای نوین ارتباطی است که فعالیت‌های گسترده‌ای در این فضای نوین انجام می‌دهد و تلاش می‌کند خود را نماینده اقشاری از مسلمانان تلقی کند که در دنیای سردرگم مدرنیته غربی به دنبال ملجأ و پناهگاه هستند. در هر صورت می‌توان نتیجه گرفت که داعش با دفاع از بنیادگرایی اسلامی و تلاش برای ایجاد یک دولت اسلامی، مبارزه با بی دینی و ضدیت با اندیشه‌های غربی و پدیده جهانی شدن،

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

بهره‌گیری مؤثر از ابزارها و تجهیزات رسانه‌ای مدرن و همچنین گسترش تروریسم به نقاط مختلف جهان می‌تواند نمونهٔ روشنی از یک گروه تروریستی پسامدرن تلقی شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

منابع

استیونسون، نیک (۱۳۹۲). *شهروندی فرهنگی؛ مسائل جهان‌شهری*. ترجمهٔ افشین خاکباز. چاپ‌اول. تهران: نشر تیسا.

آل‌غفور، محسن؛ صادقیان، رضا (بهار ۱۳۹٤). «مدرنیته، جهانی‌شدن و فراگیر شدن تروریسم پسامدرن». *فصلنامه سیاست*. سال دوم، شماره ۳، صص ۱۷۳-۱۳۹.

باومن، زیگمونت (۱۳۸۵). *اشارت‌های پست مدرنیته*. ترجمه حسن چاوشیان. چاپ اول. تهران: نشر ققنوس.

بودریار، ژان (۱۳۹۲). *ذوب شدن یخ‌ها در شرق*. ترجمه مراد فرهادپور در نام‌های سیاست. گزیده مقالات لویی آلتوسر و دیگران، گزینش و ویرایش: مراد فرهادپور و همکاران، چاپ دوم. تهران: نشر بیدگل.

جی بدی، توماس (زمستان ۱۳۷۸). «تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش عملی». ترجمه سیدرضا میرطاهر. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۵-٦.

دریدا، ژاک (۱۳۸۵). *دیکانستراکشن و پراگماتیسم: حرف‌هایی درباره واسازی و عمل‌گرایی*. ترجمه شیوا رویگران، تهران: گام‌نو.

رانسیر، ژاک (۱۳۹۲). *چه کسی سوژه حقوق انسان‌ها است؟*. ترجمه امیر احمدی آریان در قانون و خشونت گزیدهٔ مقالات جورجو آگامبن و دیگران. گزینش و ویرایش: مراد فرهادپور و همکاران. چاپ سوم. تهران: نشر رخداد نو.

صالحی، جواد؛ مرادی‌نیاز، فاتح (بهار و تابستان ۱۳۹۵). «بنیادگرایی اسلامی داعش- القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی». *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*. دوره ٤، شماره ۱، صص ۱۰۷-۸۵.

طالبی‌آرانی، روح‌الله؛ گویلی‌گیلانه، جمال (زمستان ۱۳۹۵). «جهانی‌شدن عملکرد سلفی‌گری در پرتو گسترش فناوری ارتباطات؛ مطالعه موردی داعش». *فصلنامه سیاست جهانی*. دوره‌پنجم، شماره -چهارم، صص ۱٤۰-۹۹.

عراقچی، سیدعباس؛ جوزانی کهن، شاهین (بهار ۱۳۹٦). «بهره‌برداری داعش از فضای مجازی». *فصلنامه روابط خارجی*. سال نهم، شماره اول، صص ۱۷۵-۱٤۱.

عطارزاده، مجتبی (بهار ۱۳۹٦). «رسانه، آوردگاه قدرت هوشمند داعش». *نشریه فرهنگ و رسانه*. سال ششم، صص ۱۳۹-۱۱۷.

فوکو، میشل (۱۳۹۳). *اراده معطوف به دانستن*. ترجمهٔ نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. چاپ نهم. تهران: نشر نی.

فیرحی، داوود؛ ظهیری، صمد (پاییز ۱۳۸۷). «تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم». *فصلنامه سیاست*. شماره ۷، دوره ۳۸، صص ۱٦۵-۱٤۵.

کریستوا، ژولیا (۱۳۸۹). *فردیت اشتراکی*. ترجمهٔ مهرداد پارسا. تهران: نشر روزبهان.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸٦). *جهانی‌شدن فرهنگ، هویت*. چاپ سوم. تهران: نشر نی.

گوهری‌مقدم، ابوذر (پاییز و زمستان ۱۳۸۸). «تروریسم جدید: چارچوبی برای تحلیل». *دانشنامه حقوق و سیاست*. شماره ۱۲.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

لکلائو، ارنستو؛ موفه، شنتال (۱۳۹۲). *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال*. ترجمهٔ محمد رضایی. چاپ‌اول. تهران: نشر ثالث.

نش، کیت (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی‌شدن، سیاست، قدرت*. ترجمهٔ محمدتقی دلفروز با مقدمهٔ حسین‌بشیریه. چاپ‌هشتم. تهران: نشر کویر.

هاموند، فیلیپ (۱۳۹۰). *رسانه، جنگ، پست‌مدرنیته*. ترجمه علیرضا آرزو. چاپ‌اول، تهران: نشر ساقی.

Arquilla, John and David, Ronfeldt eds. (2001). Networks and Netwars: The Future of Terror, Crime, and Militancy, *Santa Monica, Calif.: RAND Corporation*, MR-1382-OSD.

Bieda, D. and Halawi, L. (2015). *cyberpace: A Venue fior Terrorism, Issues in information Systems*, Volume 16, Issue III, PP. 33-42.

Burnett and Whyte, Jonny and Dave (2005). "Embedded Expertise and the New Terrorism". *Journal for Crime, Conflict and the Media*, 1 (4).

Cliteur, Paul (2007). "The Postmodern Interpretation of Religion Terrorism". *Free Inquiry*. Volume 27, Number2, pp 1-5.

Gates and Podder, Scott and Sukanya (2015). "Social Media, Recruitment, Allegiance and the Islamic State". *Perspective on Terrorism*, Volume 9, Issue 4.

Kalcik and Bayraktar, Tuba and Ummi Altan (2017). "Terror Propaganda on Soccial Media; Daesh Terrorist Organization". *International Journal of Business and Social Scievce*. Volume 8. Center for Promoting Ideas, USA.

Phllip, P. and Brunst, W. (2010). *Terrorism and the Internet: New Threats Posed by Cyberterrorism and Terrorism Use of the Internet*. DOI 10.1007/978-0-387-89291-7_2, © Springer Science+Business Media, LLC.

Zerzeri, M. (2017). *The Threat of Cyber Terrorism and Recommendations for Countermeasures*. C. A. Perspectives on Tunisia No. 04-2017.

خبرگزاری‌ها:

مقاله «با رسانه‌های داعش آشنا شوید». قابل بازیابی در سایت: https://www.khabaronline.ir

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۴۰۷

زارعی، غفار؛ موسوی، سیدمحمد؛ غلامپور، مجید (۱۳۹۷)، «واکاوی شکل‌گیری داعش از منظر تروریسم پسامدرن»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۸ ش٤، زمستان ۹۷، صص ۱۹۵-۱۷۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]